

گزارش سیاستی

رساله‌های دکتری در علوم انسانی
(آسیب‌شناسی، تحلیل و ارائه راهکار)

به کوشش

اباذر اشتری مهرجردی



پژوهش‌گاه مطالعات فرهنگی، اجتماعی و تمدنی
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
(همچنان)



رساله‌های دکتری در علوم انسانی (آسیب‌شناسی، تحلیل و ارائه راهکار)

به کوشش اباذر انشتری مهرجردی (عضو هیئت علمی پژوهشگاه مطالعات فرهنگی، اجتماعی و تمدنی)
ناشر: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی، اجتماعی و تمدنی

ویراستار: فرهاد سلیمان‌نژاد

طراح جلد و صفحه‌آرا: علی قربی

تاریخ انتشار: پاییز ۱۴۰۲

مجموعه بازسازی آموزش عالی / ۴

نشانی: تهران، خیابان پاسداران، خیابان شهید مؤمن‌نژاد (گلستان یکم)، شماره ۱۲۴. تلفن: ۲۲۵۷۰۷۷۷

پست الکترونیکی: publication@iscs.ac.ir

وبسایت: www.iscs.ac.ir

فهرست

۷ دیباچه پژوهشگاه
۱۱ مقدمه

بخش ۱: چالش‌های درون‌دانشگاهی

۲۳ ۱-۱. لزوم تغییر و اصلاح فرایند آموزش و پژوهش در دوره‌ی دکتری
۲۵ هدفمندی رساله‌های دکتری علوم انسانی / آیت‌الله علی‌اکبر رشاد
۲۹ تغییرهای آئین‌نامه‌ای در دوره‌ی دکتری / حجت‌الاسلام و المسلمین رضا غلامی
۳۵ آیا می‌خواهیم علوم انسانی مشکلی را حل کند یا خیر؟ / سید سپهر قاضی‌نوری
۴۵ ۲-۱. عدم مسئله‌مندی در رساله‌ها
۵۱ ناپوستگی در مسائل علوم انسانی / عبدالله معتمدی
۵۳ فقدان مسئله در رساله‌های علوم انسانی / محسن ایمانی
۵۷ مسئله‌محوری در رساله‌های علوم انسانی / مهدی عباس‌زاده
۶۵ تحلیل رساله‌های علوم انسانی از منظر علم‌شناسی فلسفی / علیرضا منجمی
۶۹ ۳-۱. قبيله‌گرایی در دانشگاه
۷۷ چرا پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویی گره‌گشا نیستند؟ / عباس کاظمی
۸۵ اقتصاد سیاسی رساله‌های دانشگاهی و شکل‌گیری کولبری علمی / جبار رحمانی

بخش ۲: چالش‌های برون‌دانشگاهی

۹۵ ۱-۲. آزادی / استقلال نهاد دانشگاه از نهاد دولت
۱۰۱ رساله‌های علوم انسانی: بایدها و نبایدها / احمد خاتمی
۱۰۹ چگونگی ارتقای کاربردپذیری و کیفیت رساله‌های دکتری / تقی آزاد ارمکی
۱۱۷ نظام آموزش عالی در ایران (جایگاه پژوهش در دانشگاه) / غلامرضا لطیفی

۶ / رساله‌های دکتری در علوم انسانی: (آسیب‌شناسی، تحلیل و ارائه راهکار)

- چالش‌های نظام‌مند علوم انسانی در ایران / مقصود فراستخواه..... ۱۳۱
- کیفیت رساله‌های دوره‌های دکتری در علوم انسانی: انتخاب یا اتفاق؟ / رضا مهدی ۱۳۵
- ۲-۲. مدرک‌گرایی: گسترش کمیّت، کاهش کیفیت ۱۵۱
- آسیب‌شناسی رساله‌های دکتری علوم انسانی: ارائه یک راهبرد / عبدالرحمن حسنی فر..... ۱۵۹
- سنخ‌شناسی دانشگاه‌ها و دست‌بندی نیازهای جامعه / رضا داوودی..... ۱۷۳
- علوم انسانی: بایدها و نبایدها / ابراهیم صالحی عمران..... ۱۸۹
- عدم ارتباط و ناهماهنگی میان نهاد دانشگاه با سایر بخش‌ها / حمیدرضا آیت‌اللهی..... ۱۹۷
- حکمرانی آموزش عالی و چالش‌های علوم انسانی / اصغر افتخاری ۲۰۱
- ضرورت حمایت دولت از رساله‌های دکتری / سیدعلی اصغر میرباقری فرد..... ۲۱۵
- نامستله حکمرانی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی / حسین بابایی مجرد..... ۲۱۷
- کدام رساله در چه رشته‌ای کدام مسئله جامعه را حل می‌کند؟ مسئله‌مند کردن رساله‌های دکتری علوم انسانی / اباذر اشتری مهرجردی ۲۳۳
- تعریف رسالت و کارویژه دانشگاه‌ها / محمدهادی همایون ۲۴۱
- ارتقای نقش رساله‌های دکتری در همیاری دانشگاه با مؤسسه‌های پژوهشی / فیروزه اصغری..... ۲۴۳

بخش ۳: مفهوم کیفیت و کاربردپذیری

- درباب فقدان کاربست به‌منابه معضل پایان‌نامه‌های تحصیلات تکمیلی در علوم اجتماعی دانشگاهی / رضا صمیم..... ۲۶۱
- آیا تحصیلات تکمیلی باید کاربردی باشد؟ مرور رساله‌های دکتری علوم ارتباطات و علم اطلاعات ایران / صدرا خسروی..... ۲۶۹
- مسئله مسئله‌محوری در رساله‌های دکتری علوم انسانی / خسرو باقری نوع پرست..... ۲۸۳
- منابع ۳۱۷
- نمایه ۳۲۵

مقدمه

این پژوهش حاصل نشست تخصصی «سیاست پژوهی در باب رساله‌های دکتری در علوم انسانی» است که به‌همت پژوهشگاه مطالعات فرهنگی، اجتماعی و تمدنی و اندیشکده دانشگاه ایرانی، با حضور اساتید و پژوهشگران، در تاریخ ۳۰ خرداد ۱۴۰۲ در پژوهشگاه مطالعات فرهنگی، اجتماعی و تمدنی برگزار شد. برخی از دیدگاه‌های ارائه‌شده از سوی اساتید در قالب سخنرانی بوده‌اند که به متن نوشتاری تبدیل شده‌اند و با برخی از اساتید حاضر در نشست حضور نیز مصاحبه شده است. در مجموع، در پژوهش پیش رو، از اساتید حوزه علوم انسانی در خصوص کیفیت و کاربردپذیری رساله‌های دکتری علوم انسانی پرسش شده است و هر یک از ایشان به بخشی از چالش‌ها اشاره کرده و راهکارهایی ارائه داده‌اند. امید است که پژوهش حاضر بتواند مفید واقع شود.

یکی از مهم‌ترین بخش‌های هر جامعه‌ای، که تأثیر بسیار گسترده‌ای بر دیگر بخش‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آن جامعه دارد، بخش آموزش عالی است. کمابیش در تمام کشورها، آموزش عالی اهداف کلی و مشخصی را دنبال می‌کند، اهدافی همچون انجام پژوهش‌های بنیادی، علمی و کاربردی به‌منظور پیشرفت و گسترش علم و دانش در جامعه، و تربیت و تأمین نیروی انسانی ماهر، متخصص و کارآمد مورد نیاز بخش‌های مختلف جامعه. در این میان، پژوهش، به‌عنوان یکی از زیرمجموعه‌های نهاد علم، زیربنای توسعه است و هر

جامعه‌ای، برای برنامه‌ریزی در سطح‌های خرد و کلان خود، ناگزیر از ساماندهی و مدیریت کارآمدی و اثربخشی امور پژوهشی است. به همین جهت، همواره می‌توان بین کم و کیف عملکرد پژوهشی در هر جامعه و میزان توسعه‌یافتگی آن جامعه، رابطه مستقیمی برقرار کرد؛ به گونه‌ای که بدون آن، هیچ کشوری قادر به شناسایی و حل مشکلات موجود خود و برنامه‌ریزی استراتژیک در جهت توسعه و پیشرفت نخواهد بود (شریعتمداری، ۱۳۹۰: ۴۶). باری، پژوهش را می‌توان زیربنای اصلی توسعه همه‌جانبه دانست. کشورهای پیشرفته جهان به‌منظور تحقق اهداف توسعه‌ای خود، در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های علمی‌شان، پژوهش و استفاده از یافته‌های پژوهشی را در اولویت نخست خود قرار داده‌اند. این کشورها تلاش می‌کنند در امر یادگیری، به پژوهش کردن اولویت ببخشند و نظام‌های آموزشی آن‌ها، نحوه پژوهش را از همان سال‌های ابتدایی تحصیل ضروری می‌دانند (بهبی‌مهر، ریاحی‌نیا و منصوریان، ۱۳۹۳: ۴۰).

امروزه، پژوهش از جدی‌ترین نیازهای کشورمان ایران است و این نیاز ناشی از قرار دادن توسعه به‌عنوان محور همه برنامه‌ها و اقدام‌ها است. پژوهش و توسعه، در واقع، فرایندهای لازم و ملزوم یکدیگرند. پیش شرط توسعه همه‌جانبه، شناخت جامع و دقیق وضعیتی موجود از یک سو و وضعیت مطلوب از سوی دیگر است. چنین شناختی جز با پژوهش، در معنای درست آن، حاصل نمی‌شود (موسوی و ذائرتابت، ۱۳۹۰: ۹). رسالت عمده دانشگاه‌ها عبارت است از آموزش مداوم، پژوهش و گسترش فعالیت‌ها به‌منظور تربیت افراد برخوردار از دانش حرفه‌ای و مهارت به‌منظور مشارکت در توسعه اجتماعی، و نیز دستیابی به توسعه پایدار و خلق دانش علمی از طریق توسعه پژوهش (لو، کولاسا و باکن^۱، ۲۰۱۰: ۱۷۰).

از آن‌جا که آموزش و پژوهش دو اهرم اصلی دانشگاه‌ها در تولید علم به شمار می‌آیند (پارک و لیدسدورف^۲، ۲۰۱۰)، نظام آموزش عالی کشور این دو

1. Lev, Kolassa & Bakken

2. Park & Leydesdorff

بعد را از هم جدا و مستقل فرض می‌کند. معاونت‌های آموزشی و تحصیلات تکمیلی، جریان آموزشی در دوره‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری را هدایت می‌کنند و معاونت‌های پژوهشی، فعالیت‌های پژوهشی اعضای هیئت‌علمی را مدیریت می‌کنند، در صورتی که بین این دو، یعنی آموزش و پژوهش، رابطه‌ای اندام‌وار و دیالکتیکی وجود دارد. آموزش می‌تواند یافته‌های پژوهشی را به‌صورت محتوای آموزشی، وارد جریان کلاسی، آزمایشگاهی و کارگاهی کند؛ پژوهش نیز می‌تواند از طریق بحث و تعامل در جریان آموزش، مسائل و فرض‌های جدیدی را برای فعالیت‌های پژوهشی به وجود آورد. در واقع، جدایی این دو، محتوای آموزشی را تکراری و ثابت نگه می‌دارد و پژوهش را از خلاقیت‌های درونی کلاسی و نقد محتوای آموزشی محروم می‌سازد (یمینی دوزی سرخابی، ۱۳۹۱: ۵۹). نتیجه‌نهایی این جدایی و تبعات آن، ظهور پایان‌نامه‌هایی با موضوع‌های تکراری و کیفیت پایین در دانشگاه‌های ما است. از یک سو، بیشتر فارغ‌التحصیلان مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری در ایران، تلاش لازم را برای تدوین پایان‌نامه به عمل نمی‌آورند. تکرار گذشته، برداشت گسترده از یافته‌های دیگران، بازنویسی متون و کپی‌برداری غیرمجاز، در بیشتر پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و حتی دکتری دیده می‌شود که نه برای تولید دانش، بلکه برای رفع تکلیف تهیه می‌شوند. غلبه کمیّت بر کیفیت مانع از دقت استادان راهنما، مشاور و حتی داوران می‌شود تا از تکرار چنین دور باطلی جلوگیری به عمل آید. از سوی دیگر، کاربر یا دستگاهی منتظر نتایج پایان‌نامه‌ها نیست تا آن‌ها را به کار گیرد. تداوم چنین دور باطلی، تا حدودی، این معضل را عادی جلوه می‌دهد (عنعلیب، ۱۳۹۰: ۲۳). یکی از پیامدهای این وضعیت، ایجاد شکاف میان پژوهش‌های دانشگاهی، به‌ویژه پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری، با نیازهای ملموس و عینی جامعه است. این شکاف را می‌توان به‌روشنی، در استفاده نکردن از یافته‌ها و نتایج پژوهش‌های دانشگاهی در

زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مانند آن‌ها مشاهده کرد (فتاحی، ۱۳۹۰: ۷۷۷). در دنیای امروز، پاسخگویی اجتماعی آموزش عالی و تعهد درونی آن به حل مسائل توسعه‌ای در سطوح ملی، منطقه‌ای و جهانی، بیش از پیش ارزش و اعتبار پیدا کرده است. اقتصاد دانش موجب شده است دایره ذی‌نفعان و مشتریان آموزش عالی بیش از پیش توسعه و تنوع پیدا کند. دستگاه‌های مختلف دولتی، سازمان‌های عمومی، بنگاه‌های خصوصی در زمینه‌های تولید و خدمات، بازار کار مالیات‌دهندگان و نهادهای مختلف جامعه، بیش از هر زمان، بر انتظارات خود از آموزش عالی تأکید می‌کنند. آن‌ها کنجکاو هستند تا دریابند که از درس و بحث و پژوهش و فنون دانشگاهی، چه مرهمی بر زخم‌هایشان، چه راه‌حلی برای مسائلمان، و چه ارزش افزوده‌ای در راستای مطلوبیت‌ها و اهدافشان فراهم می‌آید (فراستخواه، ۱۳۸۹: ۴۷).

دیدگاه‌های آگاهان نشان از تمرکز عمده پژوهش‌های انجام‌شده در دانشگاه‌ها، بر پاسخ به علاقه فردی دانشگران به جای دانشگاه و یا صنعت دارد. چه بسا جهت‌دهی علاقه و زمینه تخصصی استادان راهنما در پروژه‌های دانشجویی و تناسب نداشتن آن با نیازهای روز جامعه، ممکن است علت اصلی آرشو شدن و عدم کاربست بسیاری از گزارش‌های پژوهشی باشد. گرچه در گذشته بخشی از پژوهش‌های علمی با برچسب «کاربردی» وظیفه پاسخگویی به نیازهای اجتماعی را به دوش می‌کشید، اما اکنون، از همه پژوهش‌های علمی انتظار می‌رود پاسخگوی نیاز صنعت یا جامعه باشند و مشکلی واقعی را حل کنند (حسین‌قلی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۳۱). ولی آن‌چه که امروزه به شکل مشکلی جدی ریشه دوانیده، بی‌توجهی به نقش کاربردی پایان‌نامه‌ها و فاصله گرفتن از حالت ایدئال آن‌ها در جامعه علمی کشور است (دیانی، ۱۳۷۸: ۷).

پژوهش‌های دانشگاهی، که حاصل همکاری دانشجویان و استادان هستند، ظرفیت‌های بالقوه عظیمی دارند و در صورت وجود شرایط لازم، می‌توانند

بسیاری از نیازهای علمی بخش‌های مربوطه خود را مرتفع کنند. چیزی که در این رابطه ضرورت دارد، بازتعریف هدف اجرای پایان‌نامه‌های دانشجویی و نهادینه کردن این اندیشه است که پژوهش دانشجویی، علاوه بر این که شرط لازم فارغ‌التحصیلی است، باید با هدف قرار دادن مسئله‌های موجود، به دانش‌افزایی در حوزه مربوطه منجر شود. لازمه این امر این است که موضوع پژوهش‌های دانشگاهی با نیازهای جامعه پیوند داشته باشد و ارتباط واقعی میان بخش‌های پژوهشی دانشگاه‌ها و محیط‌های تولیدی، صنعتی و خدماتی برقرار شود (حریری، ۱۳۹۲: ۶). از سوی دیگر، بنیان کاربرد نتیجه پایان‌نامه‌ها، بر انتخاب موضوع‌های کاربردی و در پیوند با نیاز جامعه استوار است. پیدا کردن موضوعی که هم تازه باشد و هم مشکلی از جامعه حل کند، دانش جدیدی تولید کند و همچنین با توانایی‌های دانشجویها همخوان باشد، کار نسبتاً دشواری است و پژوهش‌های دانشجویی نشان می‌دهند که کمتر پایان‌نامه‌ای وجود دارد که مسئله آن با احساس مشکل شکل گرفته باشد.

رساله‌های دکتری یکی از انواع پژوهش‌های دانشگاهی محسوب می‌شوند که سالانه، تعداد زیادی از مقاله‌های پژوهشی مجله‌های علمی را به خود اختصاص می‌دهند. کیفیت و کارایی دو انتظار معمول از پژوهش‌های دانشگاهی، از جمله رساله‌های دکتری، است که در مطالعه‌های پژوهشگران ایرانی، به عنوان دو چالش اساسی رساله‌های دکتری، به آن‌ها پرداخته شده است. اهمیت کاربردی‌سازی پژوهش‌های دانشگاهی و عوامل و موانع آن، به مسئله و دغدغه فکری پژوهشگران تبدیل شده است.

نعمتی (۱۳۹۱)، در پژوهشی با عنوان «شناسایی و تحلیل مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تحقق فرایند تبدیل دانش به فناوری در دانشگاه‌ها»، به شناسایی و تحلیل مؤلفه‌های اساسی تأثیرگذار بر تحقق فرایند تبدیل دانش به فناوری در دانشگاه‌های تهران در راستای کاربست نتایج پژوهش‌های دانشگاهی پرداخته است.

پورعزت و حیدری (۱۳۹۰)، در پژوهشی با عنوان «شناسایی و دسته‌بندی چالش‌ها و موانع تجاری‌سازی دانش با استفاده از روش کیو»، برخی از عمده‌ترین موانع در فرایند کاربردی‌سازی دانش را بدین شرح بیان می‌کنند: مخالفت برخی دانشگاهیان با انتقال تجاری دانش؛ وجود بوروکراسی و انعطاف‌ناپذیری نظام مدیریتی دانشگاه؛ نبود آزادی عمل در استادان به‌منظور مشارکت در فعالیت‌های کسب‌وکار؛ فرهنگ متفاوت فعالان صنعت و دانشگاهیان؛ نبود انگیزه در دانشگاه برای کاربردی‌سازی دانش و وابستگی دانشگاه به بودجه‌های دولتی؛ ناآگاهی دانشگاه از نیازها و اولویت‌های بخش کسب‌وکار؛ منابع متفاوت فعالان صنعت و دانشگاهیان؛ عدم حمایت مالی دانشگاه از پژوهشگران برای بهره‌برداری از دانش تولیدشده توسط آن‌ها؛ منابع ناکافی برای انتقال فناوری توسط دانشگاه؛ و ناکافی بودن سهم استادان از درآمدهای حاصل از کاربردی‌سازی دانش.

فکور (۱۳۸۵)، در پژوهشی با عنوان «مروری بر مفاهیم نظری تجاری‌سازی نتایج تحقیقات دانشگاهی»، ضمن بررسی مفاهیم نظری کاربردی‌سازی دانش، مهم‌ترین موانع کاربردی‌سازی دانش در دانشگاه‌های ایران را در سه گزاره اصلی مطرح کرده است: نبود قوانین و مقررات مورد نیاز فعالیت‌های کاربردی‌سازی دانش و انتقال تکنولوژی در بخش دانشگاهی، خصوصاً در ارتباط با حقوق مالکیت دارایی‌های فکری حاصل از بخش دانشگاهی کشور؛ تأمین نکردن منابع مالی مورد نیاز برای فعالیت‌های کاربردی‌سازی دانش در بخش دانشگاهی کشور؛ و حمایت نکردن از تأسیس و تقویت نهادهای انتقال فناوری در بخش دانشگاهی.

قاسمی حصار (۱۳۹۳)، در پژوهشی با عنوان شناسایی عوامل نهادی مؤثر بر کاربردی‌سازی تحقیقات دانشگاهی، بدین نتیجه رسیده است که در بین عوامل نهادی (فرهنگ دانشگاه، سیاست دانشگاه، سرمایه اجتماعی، و اهداف دانشگاه)، سیاست‌های دانشگاه بیشترین تأثیر را بر کاربردی‌سازی پژوهش‌های

دانشگاهی دارند و اهداف و مأموریت‌های دانشگاه، سرمایه اجتماعی و در نهایت فرهنگ دانشگاه، در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند.

اصغری و نعمتی (۱۳۹۵)، در پژوهشی با عنوان «چالش کیفیت رساله دکتری در ایران براساس مفهوم زنجیره ارزش»، ضمن مطالعه طیف وسیعی از عوامل مرتبط، این چالش‌ها را این‌گونه دسته‌بندی کرده‌اند: نقش خود دانشجوهای دکتری (ناتوانی علمی؛ بی‌علاقگی و نداشتن انگیزه؛ نداشتن خلاقیت در انتخاب مسئله؛ عدم اختصاص زمان کافی و...)؛ نقش استادان راهنما (ناتوانی علمی و ناهمگونی تخصص استاد با موضوع رساله؛ تعدد راهنمایی رساله؛ عدم اختصاص وقت کافی؛ عدم تعامل قابل‌انتظار با دانشجو و...)؛ نقش گروه‌های آموزشی دانشگاه (سهل‌انگاری در تصویب پروپوزال دکتری؛ توجه نکردن به تخصص استاد و موضوع رساله؛ عدم همکاری در تقویت روابط استاد - دانشجو در فرایند تدوین رساله؛ بی‌تفاوتی به تبانی استادان در راهنمایی، مشاوره و ارزیابی و...)؛ نقش سازمان دانشگاه (اختصاص ندادن بودجه و امکانات لازم؛ ناتوانی در یا عدم تمایل به رعایت مقررات؛ عدم برنامه‌ریزی مناسب برای حمایت از رساله‌های برتر؛ فعال نبودن دفاتر ارتباط دانشگاه با صنعت و...)؛ و نقش نظام آموزش عالی ایران (اجرای سیاست افزایش بی‌رویه دانشجویهای دکتری؛ عدم برخورد جدی با دانشگاه‌ها، استادان و دانشجویهای خاطی؛ عدم نظارت دقیق بر روند پذیرش، تحصیل و فارغ‌التحصیلی دانشجوها و...).

اصغری (۱۴۰۰)، در پژوهشی با عنوان «توجهات روش‌شناختی در پژوهش‌های دانشگاهی، با تأکید بر رساله‌های دکتری»، به‌طور خاص به چالش رساله‌های دکتری علوم انسانی از منظر روش‌شناسی با تأکید بر نقش استادان راهنما پرداخته است.

مشیرزاده و مسعودی (۱۳۸۹)، در پژوهشی با عنوان «نظریه و پژوهش در روابط بین‌الملل در ایران، مطالعه موردی: رساله‌های دکتری»، به‌طور جامع، وجه پژوهشی رساله‌های دکتری را مورد توجه قرار داده‌اند.

کریس دید^۱ (۲۰۰۹)، در پژوهشی با عنوان «بررسی فناوری‌هایی که فرایند کاربردی‌سازی دانش را تسهیل می‌کنند»، فناوری‌هایی را که فرایند خلق، تسهیم و کاربردی کردن دانش و، تا حد امکان، تبدیل آن به دانایی را تسهیل و تسریع می‌کند، بررسی کرده است. او بهره‌گیری از نتایج پژوهش‌های دانشگاهی را تا مرحله خلق دانش و فناوری مورد تأکید قرار داده است. در این پژوهش، عوامل علمی و فناوری، انطباق پژوهش‌های دانشگاهی با نیازهای جامعه و صنعت، و وجود زیرساخت‌ها، امکانات و تجهیزات، به‌عنوان عوامل تأثیرگذار بر فرایند تبدیل دانش به فناوری بیان شده‌اند.

لمپرولیس^۲ (۲۰۰۷)، در پژوهشی با عنوان «بررسی نقش بستر فرهنگی مناسب در ارتقای کاربردی‌سازی دانش»، ضرورت توجه به فرایند کاربردی‌سازی و سپس نوآوری را در دانشگاه‌ها مورد تأکید قرار داده و وجود بستر فرهنگی مناسب را به‌عنوان عامل مؤثر بر این فرایند معرفی کرده است. به عبارت دیگر، تحقق فرایند کاربردی‌سازی و نوآوری در دانشگاه، در مرحله اول، نیازمند توسعه فرهنگی و ایجاد باور و اعتقاد در جامعه دانشگاهی در این زمینه است. در مرحله بعد، دانشگاهیان باید منابع، ابزارها، شیوه‌ها و فناوری‌های مناسب را در زمینه کاربردی‌سازی و نوآوری در اختیار داشته باشند. بنابراین، در این مطالعه، مهم‌ترین عوامل مؤثر بر فرایند کاربردی‌سازی، در مرحله نخست، شامل فرهنگ و بستر فرهنگی مناسب به‌منظور تربیت متخصصان مورد نیاز در دانشگاه و، در مرحله بعد، شامل عوامل مالی، علمی، فناورانه، ساختاری و امکانات شناسایی شده است.

برخی از پژوهشگران نیز، به‌طور خاص، رساله‌های علوم انسانی را براساس میزان تأثیرگذاری و نقش آن‌ها در حل مسائل و چالش‌ها در یک حوزه و رشته خاص مورد توجه قرار داده‌اند (سهرابی و همکاران، ۱۴۰۰؛ عزیزی و قلی‌پور، ۱۴۰۰). اما صرف نظر از چالش‌ها و مشکلاتی که تا کنون دانشگاه‌ها در استفاده مؤثر از رساله‌های دکتری با آن مواجه بوده‌اند و هستند، ارائه پیشنهاد درخصوص

1. Chris Dede

2. Lamproulis

استفاده از راه‌های جدید و نوآورانه به منظور استفاده از امکان بالقوه پژوهش‌های در حال انجام توسط دانشجویان دکتری، اجتناب‌ناپذیر و ضروری است. در واقع، دانشگاه از دو جنبه گسترش مرزهای دانش و فناوری و همچنین تأمین نیروی انسانی متخصص مورد نیاز در توسعه جوامع، به ایفای نقش می‌پردازد.

اما نکته اساسی این است که با توجه به سرعت تغییرهای ایجادشده، دانش تولیدشده به‌تندی نمی‌تواند راهگشای کشور در مسیر تحقق توسعه مبتنی بر دانش باشد. لذا ضروری است در راستای کاربردی کردن دانش یا، به عبارت دیگر، تبدیل دانش به فناوری در دانشگاه‌ها و سپس خلق ثروت در جامعه، برنامه‌ریزی‌هایی صورت گیرد. در همین راستا، در این پژوهش سعی شده است با کمک استادان علوم انسانی، رساله‌های دکتری در علوم انسانی آسیب‌شناسی شوند و در نهایت، راهکارهایی برای بهبود کیفیت و کاربردی‌سازی آن‌ها ارائه گردد. در این پژوهش، مسئله «کاربردی‌سازی» و «کیفیت» رساله‌های دکتری در علوم انسانی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

در مجموع، با توجه به بررسی‌های به‌عمل‌آمده، چالش‌های رساله‌های دکتری در علوم انسانی را می‌توان به سه بُعد تقسیم کرد: بُعد مفهومی کاربردی‌سازی و کیفیت؛ بُعد نهادی (چالش‌های درون‌دانشگاهی)؛ و بُعد فرانهادی (چالش‌های فرادانشگاهی). بُعد مفهومی اشاره به کاربردی‌سازی و کیفیت رساله‌ها دارد. بُعد نهادی به عواملی اشاره دارد که در ساختار و چارچوب نهاد دانشگاه قرار دارند و رفع این عوامل می‌تواند کیفیت و کاربردی‌سازی رساله‌های دکتری علوم انسانی را ارتقا بخشد. بُعد فرانهادی نیز به نقش سایر نهادها، از جمله دولت و بازار، در این امر اشاره دارد. در بخش‌های بعدی، هر یک از موارد نام‌برده بررسی خواهد شد.

در پایان تشکر ویژه خواهم داشت از همکار و دستیار علمی این مجموعه آقای دکتر فرزاد کلاته که زحمت همگون‌سازی و قالب‌بندی ۳ بخش این مجموعه گزارش سیاستی را بعهدہ داشتند.